

## بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خشونت عاطفی در خانواده با تأکید بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: شهر یاسوج)

علی اصغر مهاجرانی<sup>۱</sup>، پروین صیادی نژاد<sup>۲\*</sup>، علی صیادی نژاد<sup>۳</sup>

۱- استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۲- کارشناسی ارشد پژوهشگری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۳- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

### چکیده

خشونت شوهران علیه زنان، به ویژه از لحاظ عاطفی نه تنها از لحاظ فردی و خانوادگی، بلکه از نظر اجتماعی نیز دارای اهمیت است. بدرفتاری و شکنجه‌های بدنی و حتی توهین و تحقیر کلامی، بر رشد و تکامل روانی و اجتماعی زنان اثرات بسیار نامطلوبی می‌گذارد. پژوهش حاضر که با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خشونت عاطفی در خانواده با تأکید بر سرمایه اجتماعی در شهر یاسوج است، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش این پژوهش، روش میدانی با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری و حجم نمونه در این تحقیق ۳۷۹ نفر برآورد شده است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی همسر، انسجام اجتماعی خانواده، مشارکت اجتماعی خانواده، میزان کل سرمایه اجتماعی خانواده، دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده، دینداری، تحصیلات، اختلاف سن همسران، پایگاه اقتصادی خانواده

و تعداد فرزندان به عنوان متغیرهای مستقل و خشونت عاطفی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از بین ابعاد اجتماعی متغیرهای: میزان اعتماد اجتماعی همسر؛ میزان؛ انسجام اجتماعی خانواده، میزان؛ مشارکت اجتماعی خانواده، میزان کل سرمایه اجتماعی خانواده، دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده، دینداری در سطح خانواده، اختلاف سن همسران و بین پایگاه اقتصادی خانواده با خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد، اما بین متغیرهای تحصیلات مرد و تعداد فرزندان با خشونت عاطفی ارتباط معناداری مشاهده نشد.

**واژه‌های کلیدی:** خشونت عاطفی، سرمایه اجتماعی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی.

## مقدمه

خشونت خانگی بر علیه زنان در اغلب موارد مخفی بوده و به صورت طولانی مدت وجود دارد. خشونت خانگی یک خطر سلامتی عمده بوده که افراد را از همه گروه‌های نژادی، اجتماعی و اقتصادی تحت تاثیر قرار می دهد و منجر به آسیب‌های مختلف و عواقب کوتاه مدت و طولانی مدت سلامتی از جمله بیماری‌های روانی و عوارض حاملگی می گردد. خشونت شوهران علیه زنان، به ویژه از لحاظ عاطفی نه تنها از لحاظ فردی و خانوادگی بلکه از نظر اجتماعی نیز دارای اهمیت می باشد. بدرفتاری و شکنجه‌های بدنی و حتی توهین و تحقیر کلامی، بر رشد و تکامل روانی و اجتماعی زنان اثرات بسیار نامطلوبی می گذارد.

تحقیر و خوار کردن زن در نهایت به عجز و ناتوانی در تصمیم‌گیری منتهی شده و توانمندی را از او خواهد گرفت. این زنان قربانی نه تنها توانایی سرپرستی فرزندان و خانه و خانواده خود را دارند، بلکه از مشارکت و ابراز عقیده در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز اجتماعی و خانوادگی محرومند. در ایران با توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی، بسیاری از موارد خشونت به دلیل ترس از خشونت‌های بعدی، متلاشی شدن خانواده، آوارگی و بی‌پناهی، احساس تنهایی و بی‌سرپرستی و احساس شرمندگی، هرگز گزارش نمی‌شوند و اکثر زنان این آزار و اذیت‌ها را ساکت و خاموش به امید بهتر شدن اوضاع در آینده تحمل می‌کنند. در

جامعه ما اولین بازتاب اجتماعی همسر آزاری، شیوع طلاق است که پس از آن پدیده خودکشی و افسردگی زنان را در پی دارد.

در سال‌های اخیر نوع جدیدی از آزار همسر یعنی خشونت عاطفی در جامعه ما مد شده است. امروزه خانم‌های بسیاری با تلاش و با استفاده از شرایط و امکانات سالم اجتماع، برای خود از نظر اجتماعی، شخصیتی، شغلی و مالی قلمرویی ساخته‌اند. اما همین زنان به ظاهر قدرتمند، در چهارچوب خانه، قربانی خشونت و آزار هستند. در این خانواده‌ها، مرد با دیدگاه سنتی، نمی‌تواند بپذیرد که زن در جایگاهی بالاتر از او و یا هم‌تراز با او بایستد و زن نیز با طرز فکر مدرن و امروزی خود، خودش را برابر با مرد می‌داند و از همین جاست که همسر آزاری آغاز می‌شود. در این خانواده‌ها، همسر بیشتر از نظر روحی و کلامی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. مرد در قالب خشونت عاطفی پیوسته تلاش می‌کند شخصیت همسر خود را تخریب کند تا به این شکل اعتماد به نفس را از او سلب کرده و به اصطلاح او را خانه‌نشین کند. برای این گروه از زنان درد و رنج این نوع همسر آزاری کمتر از آزار و اذیت جسمی نیست.

اثرات خشونت علیه زنان، فرزندان را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد و ریشه بسیاری از انحرافات و مشکلات عاطفی و روانی کودکان و نوجوانان در خانواده پرتنش نهفته است. بد رفتاری با زنان بر اثر تکرار و تعمیم به صورت یک ویژگی شخصیتی نمودار می‌شود و تاثیرات زیانبار خود را بر روابط اجتماعی بر جای می‌گذارد. کودکان در خانواده‌هایی که سوء رفتار وجود دارد به احتمال بیشتری توسط سایرین مورد سوء رفتار واقع می‌شوند، همچنین این کودکان خشونت را پذیرفته و در بزرگسالی به میزان بیشتری آن را تکرار می‌کنند. بنابراین خشونت خانگی نه تنها بر روی والدین بلکه کودکان نیز تأثیرگذار است و بنابراین باید مورد بررسی علمی قرار بگیرد.

با توجه به اهمیت بحث از خشونت عاطفی در پژوهش حاضر در ۵ فصل به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خشونت عاطفی در خانواده با تأکید بر سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. در فصل اول کلیات تحقیق از جمله بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش، اهداف و فرضیات و روش تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم مفاهیم اصلی و مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین سوابق داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش و در نهایت مبانی و

چهارچوب نظری تحقیق بررسی شده است. در فصل سوم روش تحقیق و در فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد مطالعه قرار گرفته است. و در نهایت در فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات اجرایی و پژوهشی بررسی شده است.

## بیان مسأله

یکی از مهمترین عواملی که بر بقاء، دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد، روابط سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضاء، به خصوص زن و شوهر است. سازگاری و تفاهم‌های بین زوجین به عنوان یکی از مهم ترین عوامل اثر گذار بر عملکرد خانواده است. سازش بین زوجین بر کیفیت عملکرد والدین، طول عمر، میزان سلامت، رضایت از زندگی، میزان احساس تنهایی، رشد و تربیت فرزندان، روابط اجتماعی و گرایش به انحرافات اجتماعی تأثیر دارد.

با آنکه تمامی جوامع، ازدواج را یکی از عوامل بهداشت روانی جامعه می‌دانند، چنانچه زندگی زناشویی شرایطی نامساعد را برای ارضای نیازهای روانی همسران ایجاد کند، نه تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه اثری منفی و گاه جبران ناپذیر را به جا خواهد گذاشت. بسیاری از زنان و مردان وقتی ازدواج شان به بن بست می‌رسد، با مشکلات روانی بسیاری روبرو می‌شوند که از جمله آن‌ها اعمال خشونت است که معمولاً از طرف مردان بر زنان وارد می‌شود.

خشونت علیه زنان در سطوح مختلف فرهنگی رخ می‌دهد و به طبقه خاصی اختصاص ندارد. اعمال این خشونت‌ها، افزون بر ایجاد عوارض جسمانی و روحی و هزینه‌های درمانی و اجتماعی، پیامدهای جبران ناپذیری همچون افزایش موارد فرار از خانه، افزایش میزان خودکشی و خودسوزی زنان، همسرکشی و بیماری‌های روحی و روانی همچون افسردگی را به دنبال دارد.

خشونت علیه زنان در جامعه ایران، به رغم نبود آمارهای مبتنی بر شواهد تحقیقاتی در خصوص بروز این پدیده، دارای اهمیت ویژه‌ای از دیدگاه مردم، برنامه ریزان و سیاستگذاران

فرهنگی - اجتماعی جامعه، نخبگان فکری حوزه مسائل اجتماعی و سلامت اجتماعی جامعه است. عوارض خشونت علیه زنان در سه حوزه قابل ردیابی است: آسیب‌های جسمی و روانی زنان، پیامدهای مربوط به خانواده، و خساراتی که جامعه اعم از گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی زنان متحمل می‌شود.

خشونت علیه زنان به ویژه بعد عاطفی آن جنبه بسیار مهمی از عملکرد روانشناختی زندگی اجتماعی انسان‌هاست که اثراتی عمده بر سلامت جسم و روان فرد قربانی دارد و با عنایت به اهمیت نقش حیاتی که زنان و مادران در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع دارند، کم توجهی به اقدامات موثر برای پیشگیری و کنترل خشونت علیه زنان، فرد، خانواده و جامعه را به تناسب، دچار عوارض کوتاه مدت و دراز مدت بی شماری می‌کند. برنامه ریزی برای اقدامات موثر به منظور پیشگیری و کنترل پدیده خشونت علیه زنان، نیازمند اطلاع از عوامل موثر بر این پدیده در سطح خانواده اصلی، خانه همسر و جامعه است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۸۹).

از جمله عوامل مؤثر بر خشونت عاطفی کمبود سرمایه اجتماعی به ویژه در سطح خانواده‌ها است. سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که به طور عادی و روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد، گرچه تصویری که از مفهوم آن وجود دارد، اغلب در حد ناچیزی است. سرمایه اجتماعی مفهومی قدیمی است، اما تنها اصطلاحیست که اخیراً به خوبی ابداع شده است. اصطلاح سرمایه اجتماعی به سرمایه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می‌کنند، گفته می‌شود و اصل وجودی سرمایه اجتماعی راه حلی برای مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت در سطح اجتماع و خانواده، اقتصاد عقب مانده و حکومت کم بازده به شمار می‌رود و بنابراین ارتباط آن با خشونت عاطفی نیز دارای اهمیت است. با توجه به مباحث مذکور پژوهش حاضر در صدد است تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خشونت عاطفی در خانواده با تأکید بر سرمایه اجتماعی کدامند؟

## فرضیات تحقیق

- بین میزان اعتماد اجتماعی همسر و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

- بین میزان انسجام اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.
- بین میزان مشارکت اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.
- بین میزان کل سرمایه اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.
- بین دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

## تعریف مفهومی متغیرها

### - خشونت

خشونت از نظر لغوی غضب، درشتی، تندی کردن، ضد لیت و نرمی تعریف شده است. خشونت هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان است که با انگیزه آسیب، رنج یا لطمه همراه باشد. برخی نیز معتقدند خشونت طیفی از رفتارهای بسیار تند و آسیب زا تا عکس العمل‌های منفی چون بی توجهی و بی تفاوتی را دربردارد (مجبی، ۱۳۸۰: ۶-۷).

### - خشونت عاطفی

لورینگ<sup>۱</sup> (روانشناس)، خشونت عاطفی را به عنوان یک فرایند که در طی آن یک فرد از نظر روانی از سوی شخصی دیگر به صورت تدریجی دچار آسیب می شود، تعریف می کند (فوروارد، ۱۳۷۷: ۱۴ و ۶۳).

### - سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که به طور عادی و روزمره مورد استفاده قرار می گیرد، گرچه تصویری که از مفهوم آن وجود دارد، اغلب در حد ناچیزی است. سرمایه اجتماعی مفهومی قدیمی است، اما تنها اصطلاحیست که اخیراً به خوبی ابداع شده است (بنکستون و ژو، ۲۰۰۲؛ لابتنه، ۱۹۹۹).

اصطلاح سرمایه اجتماعی به سرمایه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می کنند، گفته می شود سرمایه اجتماعی با مفاهیمی از قبیل جامعه مدنی و ارتباطات اجتماعی پیوند یافته است (آدام و رنویچ، ۲۰۰۳).

### - انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان یک جامعه دارد. به عبارتی «انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

از نظر پاتنام، آنچه که مشارکت همه اقشار مردم و پس اندازهایشان را در فرآیندهای تولیدی امکان پذیر ساخته بود، حس فراگیر درستکاری بود که به وسیله حس تعلق به اجتماع یکپارچه تقویت شده بود.

### - مشارکت اجتماعی

مشارکت عبارت است از: «فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه که از طریق اعضای یک جامعه در امور محله، شهر، روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهم می‌شوند» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲).

### - اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. آنتونی گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا صحت گفت‌های تعریف می‌کند (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۳).

از نظر پاتنام، اعتماد سبب ایجاد انجمن‌های داوطلبانه و دو طرفه و اینها نیز به نوبه خود باعث تقویت و ایجاد اعتماد می‌شوند (یوسف‌وند و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۵). جیمز کلنن سرمایه اجتماعی را تا اندازه زیادی به میزان درخور اعتماد بودن محیط اجتماعی و تعهدات میان کنشگران نسبت داده و بر این باور است که بدون میزان زیادی از قابلیت اعتماد در میان اعضای گروهی که با هم در ارتباطند، آن گروه اعتبار و دوام زیادی نخواهد داشت (عبدالرحمانی، ۱۳۸۴: ۳۴).

## تعریف مفاهیم و اصلاحات

### تعریف خانواده

برای تعریف مفهوم خانواده قبل از پرداختن به تعریف مفهومی، به تعریف لغوی آن می‌پردازیم. در فرهنگ لغت فارسی خانواده در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۳: ۹۸۵). کلمه Family از لغات یونانی و Familia و Famulus به معنی مستخدم و برده گرفته شده است. از لحاظ تاریخی Family به نوعی اتحاد خانگی اطلاق می‌شد که افراد آزاد و برده را در بر می‌گرفت. در برخی فرهنگ‌ها این لغت شامل اموال خانواده نیز بوده است (اعزاز، ۱۳۷۸: ۱۰).

از لحاظ مفهومی از خانواده تعاریف متعددی به عمل آمده است: برخی خانواده را بر اساس روابطی که در درون آن شکل می‌گیرد از جمله خونی و سببی، تعریف می‌کنند، برخی برحسب کارکردی که خانواده دارد آنرا تعریف می‌نمایند، در برخی تعاریف بر پیوندهای خونی خانواده تاکید شده و برخی آن را بیشتر به عنوان یک واحد تولید تعریف می‌کنند. خانواده در آثار متقدمین عبارت از کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه به ثبات آن وابسته است و نظام پدرسالار، کارآمدترین آن است (اعزاز، ۱۳۷۸: ۱۲). در ذیل به تعاریفی که بر مبنای اساس شکل‌گیری خانواده و روابط موجود در آن تأکید شده است اشاره می‌شود.

- خانواده عبارت است از افرادی که (دو نفر یا بیشتر) میان آنها روابط خویشاوندی برقرار است و در مکان واحد زیست می‌کنند. این گروه در جوامع امروز از پدر و مادر و فرزندان تشکیل می‌گردد. به عبارت دیگر خانواده سازمان اجتماعی است که بر روابط خویشاوندی (سببی یا نسبی) مبتنی است (و ثوقی، ۱۳۸۲: ۵۵).

- خانواده مرکب از افرادی است که تاریخچه مشترکی دارند، دارای پیوندهای عاطفی هستند و در اهداف و فعالیت‌های مشترکی دخیل هستند (کامپلسون، ۱۳۸۳: ۲۸).

- خانواده یک واحد اجتماعی است مشتمل بر دو یا چند نفر که با هم زندگی می‌کنند و از طریق خون، ازدواج و یا فرزند پذیری با هم پیوند می‌خورند و در فضای مشترکی زندگی می‌کنند (قنادان و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۴۹).



- سامنر و کلر خانواده را سازمان اجتماعی خاصی می‌دانند که دست کم شامل دو نسل است و مبتنی بر ارتباط خونی است (طیبی، ۱۳۶۲: ۱۷۰).

- چلبی می‌گوید: خانواده یکی از کوچکترین اشکال اجتماعی طبیعی است و یک «ما»ی کوچکی است که در آن تعهدات اجتماعی و علقه‌های زناشویی نسبتاً پایداری بین حداقل دو نفر (زن و مرد) با پشتوانه تعاملات گرم و انتشاری وجود دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۹).

- مک آیور (۱۹۳۷) خانواده را گروهی دارای روابط جنسی پایا و مشخص که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر می‌گردد تعریف می‌کند (ذوالفقارپور، ۱۳۸۰: ۱۵؛ برگرفته از پورموسوی، ۱۳۸۱).

- از نظر لوی (۱۹۴۸) خانواده واحدی اجتماعی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید و یا پیوندی است که با نهاد ازدواج یعنی صورتی از روابط جنسی که مورد تصویب جامعه قرار گرفته است مرتبط است (بستان، ۱۳۸۵: ۵۴؛ ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۳۶).

- برگس و لاک خانواده را گروهی از اشخاص می‌دانند که به واسطه روابط زناشویی، خونی و یا فرزندخواندگی با یکدیگر اتحاد یافته‌اند و یک خانواده واحد بوجود آورده‌اند؛ در قالب نقش‌های اجتماعی خاص شوهر و زن، پدر و مادر، برادر و خواهر، با یکدیگر کنش متقابل دارند و خرده فرهنگ مشترکی را ایجاد می‌کنند (بستان، ۱۳۸۵: ۵۴).

- صاحب‌نظران دیگری مانند مرداک نیز خانواده را به مثابه یک واحد تولید در نظر گرفته و نسبتاً به روابط خونی در آن بی‌توجهند. وی در تعریف خانواده، خانواده را به عنوان یک گروه اجتماعی در نظر می‌گیرد که دارای اقامتگاه مشترک، همکاری اقتصادی و تولید مثل می‌باشد (بستان، ۱۳۸۵: ۵۴). همان‌طور که در تعریف فوق ملاحظه می‌شود مرداک در تعریف خود به وجود مکان زندگی مشترک و نقش کارکردی خانواده توجه دارد.

آنچه مسلم است اساس شکل‌گیری خانواده بر مبنای ازدواج می‌باشد و شامل کسانی است که با هم روابط نسبی یا سببی داشته و نسبت به یکدیگر وظایف و حقوق متقابلی را دارا هستند.

## ویژگی‌های خانواده

مک آیور برای خانواده در هر جامعه انسانی ۵ صفت ویژه اساسی قائل است: الف- رابطه زناشویی ب- نوعی قرار داد زوجیت که موجبات استقرار و دوام رابطه زناشویی را فراهم می‌سازد ج- نظامی جهت مشخص ساختن تعلق افراد از نظر اسمی که متضمن وجود وجهی در شمارش اختلاف نیز هست (نظیر پدر تباری و مادر تباری) د- منابع مشترک اقتصادی که به طور اخص به تأمین نیازهای غذایی و آموزش فرزندان اختصاص می‌یابد ه- یک محل اقامت، یک کانون یا اشیایی مشترک که همواره انحصاراً در گروه خانوادگی نیستند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۳۰).

قنادان و همکاران سه ویژگی اصلی خانواده را تولید مثل، اقتصاد و اجتماعی کردن فرزندان مطرح می‌کنند (ربانی و کجباف، ۱۳۸۶: ۷۳).

خانواده به عنوان یک نماد اجتماعی جهان شمول، دارای ویژگی‌های مشترکی در بین کشورهای مختلف است، اما از آنجایی که هر جامعه ای دارای فرهنگی خاص و ویژگی‌های منحصر به فردی است وجوه متمایز کننده‌ای نیز می‌تواند دارا باشد. یکی از مهمترین ویژگی‌های خانواده در کشور ما وجود روابط زناشویی مشروع است. که توسط قواعد تنظیم شده از طرف جامعه و فرهنگ اسلامی مشخص می‌گردد، از دیگر ویژگی‌های آن می‌توان به وجود سرنوشت مشترک، منافع مشترک اقتصادی (به واسطه قانون ارث)، پیوندهای عاطفی قوی، محل سکونت مشترک و از همه مهمتر تعهدات ناشی از روابط خانوادگی اشاره کرد.

## پیشینه پژوهش

خسونت خانوادگی، مبحث جدیدی است که در دهه‌های اخیر، توجه جامعه شناسان و سایر محققان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. یافته‌های پاره ای از پژوهش‌های انجام گرفته در کشورهای خارجی و ایران به صورت خلاصه ارائه می‌شود:

## پژوهش‌های داخلی

- محتشمی و دیگران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با مقابله با خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی شهر تهران» به انجام رساندند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین میزان تحصیلات و نگرش نسبت به مقابله با خشونت خانگی ( $P=0.001$ ) و همچنین بین وضعیت تاهل و هنجارهای ذهنی نسبت به مقابله با خشونت خانگی همبستگی معنی دار وجود دارد ( $p=0.012$ ). بعلاوه، بین میزان خودکارآمدی و نگرش نسبت به مقابله با خشونت خانگی و بین نگرش و خشونت اقتصادی همبستگی منفی بود (به ترتیب  $r=0.098$  و  $r=0.068$ ). یافته‌ها مبین آن بود که بین نگرش و خشونت جنسی و نگرش و خشونت روانی، همبستگی معنی دار وجود ندارد ( $r=0.068$  و  $r=0.006$ ).

عوامل مرتبط با مقابله با خشونت خانگی در زنان شامل خصوصیات جمعیت شناسی (سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل)، خودکارآمدی، هنجارهای ذهنی، نگرش به مقابله با خشونت خانگی و انواع خشونت خانگی می باشد.

- درخشان و دیگران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس» به انجام رساندند. این مطالعه به منظور تعیین شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس انجام شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۶۰ نفر (۹۲ درصد) از زنان مورد خشونت خانگی قرار گرفته بودند. میانگین سنی زنان  $33.8 \pm 8.64$  سال و میانگین مدت ازدواج آنان  $10.53 \pm 7.83$  سال بود. ۳۸۹ نفر (۷۷٫۸ درصد) خانه دار و ۱۰۲ نفر (۲۰٫۴ درصد) کارمند بودند و ۹ نفر (۱٫۸ درصد) شغل آزاد داشتند. ۱۴ نفر (۲٫۸ درصد) سابقه اعتیاد را ذکر نمودند. شایع ترین نوع خشونت علیه زنان، خشونت روانی (۵۴ درصد) بود و خشونت کلامی، فیزیکی و جنسی به ترتیب با مقادیر ۳۱ درصد، ۲۴٫۸ درصد و ۶٫۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. دو عامل مهم اثرگذار بر خشونت خانگی سطح تحصیلات و اعتیاد در خانواده بود.

- مهدی زادگان و دیگران (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان «رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان» به انجام رساندند.

یافته‌ها نشان می‌دهد سن زنان مشارکت‌کننده بین ۳۰ تا ۵۳ سال و سطح تحصیلات آنان از سواد خواندن و نوشتن تا فوق لیسانس متغیر بود. یافته‌ها حاکی از آن بود که اولین مشاگرها و رفتارهای خشونت‌آمیز از زمان عقد شروع شده بود. اشکال مختلفی از اعمال خشونت در خانواده توسط شرکت‌کنندگان گزارش شد. اعمال خشونت از جر و بحث، دعوا تا خشونت فیزیکی و کتک زدن متفاوت بود.

- سعادت‌ی و دیگران (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و پرخاشگری (مورد مطالعه: هواداران تیم فوتبال تراکتورسازی شهر تبریز)» به انجام رساندند. روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایش بوده و جامعه آماری این تحقیق بالغ بر ۷۰۰۰۰ نفر تماشاگران حاضر در ورزشگاه یادگار امام شهر تبریز است که از این تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه برآورد شد. نتایج تحقیق نشان داد که همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی فرد، با متغیر پرخاشگری در ابعاد دوگانه (پرخاشگری روانی و پرخاشگری فیزیکی) معنا دار می‌باشد، همچنین رابطه خطی بین سرمایه اجتماعی در ابعاد (انسجام خانواده، اعتقاد به هنجارها و اعتماد به پلیس) با متغیر پرخاشگری به تایید رسید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز حاکی از آن است که متغیرهای مستقل تحقیق، ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند.

- ساعی ارسی و نیک نژاد. (۱۳۸۹) مقاله‌ای را با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان» به انجام رساندند. در این مقاله آمده است که خشونت هیجان‌نیرومندی است که هر کس در محیط زندگی و شغلی خود آن را تجربه نموده است. با وجود تمایزات فرهنگی، ماهیت آن در همه جوامع شبیه هم هستند. در این مقاله از دیدگاه سنت‌گرا و دیدگاه لیبرال-روانی و دیدگاه فمینیستی - که هر یک دلایل خاص خود را دارند - برای یافتن علل و نقش خانواده و انواع این پدیده، فردی و اجتماعی بودن آن از طریق روش بررسی اسناد و مدارک به بررسی پرداخته ایم.

علت ماندگاری این پدیده که ناشی از ساخت فرهنگی، ایدئولوژی‌های مسلط و جنسی‌گرایانه در قدرت جنسیتی پرورش و آموخته شدن خشونت علیه زنان به دلایل مهار و کنترل و احساس مسوولیت مردانه عنوان می‌شود که در هر صورت بهره‌وری و فرودستی زنان را نتیجه

می دهد. پایداری و ادامه خشونت خانگی و خشونت علیه زنان خطر بحران خشونت اجتماعی و در پی آن خطر به هم خوردن بهداشت روانی جامعه و عدم مدارای اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

- معظمی (۱۳۸۳) مقاله ای را با عنوان «حمایت از زنان در برابر خشونت های خانگی» به انجام رساند. در این مقاله آمده است که بد رفتاری با زنان در محیط خانواده، در همه کشورهای جهان مساله ای کاملاً رایج و دارای عواقب و نتایج وخیمی است. اگر چه خشونت علیه زنان در خانواده از قدیم الایام وجود داشته اما تنها چند سالی است که کشورهای مختلف جهان آن را به عنوان مساله مهمی تلقی کرده و به اقداماتی به منظور رسیدگی به وضعیت بفرنج زنان قربانی سوء رفتار دست زده اند.

اگر چه در آمارهای رسمی به آمارهای خشونت علیه زنان در ایران اشاره ای نشده است، اما پژوهش ها نشان می دهد که هر بار که مطالعات یا تحقیقاتی در این مورد انجام می پذیرد، دامنه وسیعی از خشونت مشاهده می شود. هر چه جامعه فقیرتر، سنتی تر و از نظر سطح فرهنگی پایین تر باشد، فراوانی و شدت خشونت علیه زنان بیش تر و عوارض آن نیز چشم گیرتر است.

### پژوهش های خارجی

- نایاک و همکارانش (۲۰۰۳) پژوهشی را با عنوان «گرایش ها نسبت به خشونت علیه زنان: یک مطالعه بین ملیتی» انجام دادند. یافته های این تحقیق نشان داد که: ۱. هم جنسیت و هم ملیت هر دو تأثیر مهمی بر گرایش افراد نسبت به خشونت فیزیکی و جنسی علیه زنان داشتند. ۲. در این تحقیق، مردان بیش از زنان با خشونت علیه همسران موافق بودند و مردان، بیش از زنان باورهایی را که در مورد خشونت زناشویی به صورت سرزنش قربانی بود، تأیید می کردند. ۳. تفاوت در گرایش ها نسبت به خشونت علیه زنان، بازتاب هنجارهای جنسیتی و ایدئولوژی های اجتماعی در مورد تسلط جنسی مردان بر زنان است. ۴. به طور کلی به نظر این محققین، در بررسی تفاوت در گرایش ها، نسبت به خشونت علیه زنان، عوامل اجتماعی و فرهنگی، تأثیر به مراتب قوی تری در مقایسه با جنسیت داشته است.

- جارکو (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گرایش‌ها نسبت خشونت علیه زنان» که نمونه مورد مطالعه او را ۲۶۸ زن تشکیل داده بود، دریافت ۱. زنانی که کلیشه‌های نقش جنسی را تأیید می‌کردند، بیشتر از سایر زنان، گرایش‌های مداراگرایانه به خشونت علیه زنان داشتند. ۲. با بالا رفتن تحصیلات زنان، میزان برابری خواهی نقش جنسی بوسیله آنها افزایش می‌یافت.
- پترسون، مایر و سلیگمن (۱۹۹۳) در پژوهشی با عنوان «رابطه همسرآزاری و درماندگی» همسرآزاری را با پدیده درماندگی آموخته شده مرتبط می‌سازند. از نظر آنها زنانی که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند بهت زدگی و انفعال را تجربه می‌کنند. در چنین رابطه‌ای احساس عدم کنترل بر موقعیت سوء استفاده آمیز ممکن است منجر به درماندگی آموخته شده شود. به عبارتی دیگر زنی که مورد سوء استفاده قرار گرفته است ممکن است یاد بگیرد که کوشش‌های وی برای متوقف ساختن شرایط سوء استفاده آمیز بی حاصل است، و هرچه او انجام بدهد نمی‌تواند مانع این رخداد شود.
- واکر (۱۹۷۹) در پژوهش با عنوان «خشونت خانوادگی» بسیاری از زنان جامعه مورد پژوهش خود، ویژگی‌هایی را که در افراد با درماندگی آموخته شده مشاهده می‌شود، یافت. آنها به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی خشونت مجاز به ادامه بود. آنها حتی وقتی که از نظر دیگران امکان اجتناب و فرار از این موقعیت‌ها وجود داشت، به طور فعال در متوقف ساختن یا فرار از موقعیت سوء استفاده آمیز سعی نمی‌کردند.
- آدام زو لوتور و دسموند کی رانیان (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی، خشونت خانگی و غفلت» به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی پایین به منزله عامل تهدید کننده و افزایش دهنده تنبیهات شدید جسمانی و خشونت خانگی پرداختند و بدین نتیجه رسیدند که ارتقای سطح سرمایه اجتماعی، به مثابه یکی از منابع در دسترس خانواده، می‌تواند احتمال بروز خشونت خانگی را کاهش دهد.
- لیزایانگ لارنس و ماریان لین پورتر (۲۰۰۴) در مطالعه زنان قربانی خشونت خانگی در بنگلادش به بررسی فرایندهای حمایت گروهی ای پرداختند که اعتماد و شبکه اجتماعی را در مقام شاخص‌های سرمایه اجتماعی تسهیل می‌کنند.

## جمع بندی و ارزشیابی تحقیقات قبلی:

تاکنون تحقیقات متفاوتی در زمینه خشونت علیه زنان به انجام رسیده است. این تحقیقات در بردارنده موضوعاتی چون بررسی عوامل مرتبط با مقابله با خشونت خانگی در زنان مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی، شیوع خشونت خانگی علیه زنان، رابطه بین خشونت خانوادگی با کارکرد خانواده در زنان، بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و پرخاشگری، تحلیل جامعه شناختی خشونت علیه زنان، حمایت از زنان در برابر خشونت های خانگی و بررسی میزان خشونت تجربه شده در زنان دارای همسر معتاد به انجام رسیده است.

پژوهش های فوق همگی با ابعاد روان شناسی و جامعه شناسی انجام شده است و به بررسی عوامل مختلف مرتبط با خشونت در زنان پرداخته اند. در پژوهش های فوق اشاره شده است که اگر چه در آمارهای رسمی به آمارهای خشونت علیه زنان در ایران اشاره ای نشده است اما پژوهش ها نشان می دهد که هر بار که مطالعات یا تحقیقاتی در این مورد انجام می پذیرد، دامنه وسیعی از خشونت مشاهده می شود. هر چه جامعه فقیرتر، سنتی تر و از نظر سطح فرهنگی پایین تر باشد، فراوانی و شدت خشونت علیه زنان بیش تر و عوارض آن نیز چشم گیرتر است. اما پژوهش حاضر از جنبه های مختلفی با پژوهش های دیگر دارای تفاوت است که باعث نوآوری آن می شود. در پژوهش حاضر بر خلاف سایر پژوهش ها که ابعاد مختلف خشونت را مدنظر قرار داده اند، تنها خشونت عاطفی را مدنظر قرار داده است که امروزه به یکی از مهم ترین جنبه های خشونت خانگی در بین اقشار مختلف اعم از تحصیل کرده و فاقد تحصیلات تبدیل شده است. خشونت عاطفی در این پژوهش به عنوان یک فرایند که در طی آن یک فرد از نظر روانی از سوی شخصی دیگر به صورت تدریجی دچار آسیب می شود، تعریف شده است. خشونت عاطفی شامل رفتارهای کلامی زورگویانه و رفتارهای غیر کلامی زورگویانه همسر است که ابراز آنها در بدن دیده نمی شود و در این پژوهش به آن پرداخته شده است. همچنین در این پژوهش بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به عنوان یکی از متغیرهای مستقل تأکید شده است و ضمن اینکه این پژوهش برای اولین بار است که در شهر یاسوج به انجام می رسد.

## چارچوب نظری پژوهش

از دیدگاه بوردیو سرمایه اجتماعی دو شاخص اساسی دارد: (۱) اعتماد (۲) پیوند. (چلبی، ۱۳۷۵).

پاتنام مدعی است که شرکت در اجتماع مانند شبکه‌های رسمی و شبکه‌های غیر رسمی جامعه، مرکز اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی است. وی سه بعد اعتماد هنجارهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی را برای سرمایه اجتماعی قائل می‌شود (پاتنام، ۲۰۰۰: ۵۶).

جیمز کلنن سرمایه اجتماعی را در شرکت مجریان در ساختارهای اجتماعی قرار داد. کلنن به سرمایه اجتماعی به عنوان مورثی ساختن روابط بین و داخل مجریان در یک جامعه نظر دارد که به بعضی‌ها سود می‌رساند و به بعضی نیز سودی نمی‌رسد.

از دیدگاه کلنن توسعه سرمایه اجتماعی به جنبه‌های قابلیت اعتماد، التزامات، و هنجارهای مؤثر که به وسیله شرکت کنندگان در شبکه‌ها نگهداری می‌شود گفته می‌شود و به حفظ فرصتها و منابع در حال پیشرفت بستگی دارد.

گرانووتر به عنوان واضع تئوری پیوندهای ضعیف معتقد است که می‌توان سرمایه اجتماعی را از نظر شدت، تکرار و شمولیت انواع مختلف روابط مانند دوستی‌ها، همکاری‌ها و... مورد سنجش قرار داد. شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل گروه موجب تضعیف روابط اعضای آن گروه با بیرون می‌شود، گرانووتر معتقد بود که روابط منسجم میان اعضای یک گروه به روابط ضعیف با اعضای گروه‌های خارجی منجر شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد، در مقابل پیوندهای ضعیف درون گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروه‌های خارجی شده و به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌انجامد (هاشمیان فر، حیدرخانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

بنابراین بر اساس نظریات مذکور سرمایه اجتماعی در این پژوهش با ابعاد اعتماد اجتماعی (بوردیو، پاتنام، کلنن)، انسجام اجتماعی (پاتنام، گرانووتر) و مشارکت اجتماعی (پاتنام) سنجیده می‌شود.

کلنن به صورت گسترده‌ای بر نقش عوامل اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی بر خشونت تأکید داشت (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۰۲). پاتنام نیز در سطح ایالت‌ها، به نوعی پیوستگی منفی بین



جرم‌های خشن و شاخص‌های سرمایه اجتماعی دست پیدا کرده و مدعی بود با افزایش سرمایه اجتماعی، در صورت برابر بودن شرایط، سطوح خشونت پایین خواهد آمد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۰۸). فیلد نیز سرمایه اجتماعی را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کاهش خشونت و جرم می‌داند (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۰۵-۹۹).

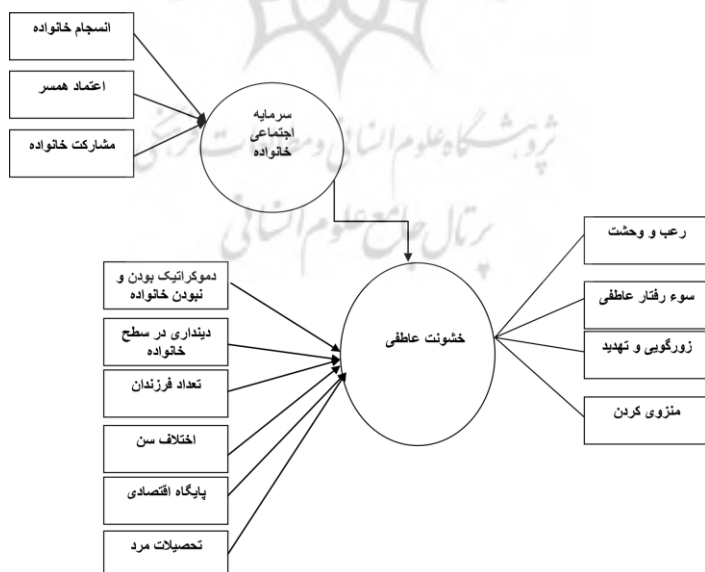
لیزا یانگ لارسن و پورتر (۲۰۰۴) در مطالعه‌ی زنان قربانی خشونت خانگی در بنگلادش به بررسی فرایندهای حمایت‌های گروهی و خشونت خانگی پرداختند و دریافتند که اعتماد و شبکه اجتماعی در مقام شاخص‌های اجتماعی نقش مهمی در کاهش خشونت دارند.

آدام زولوتور و دسموند کی رانیان (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان سرمایه اجتماعی و خشونت خانگی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی پایین به منزله تهدید کننده و افزایش دهنده‌ی تنبیهات شدید جسمانی و خشونت خانگی پرداختند و بدین نتیجه رسیدند که ارتقای سطح سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از منابع در دسترس خانواده می‌تواند احتمال بروز خشونت خانگی را کاهش دهد. بنابراین از نظریات و مطالعات فوق این فرضیه استخراج می‌شود که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با خشونت در خانواده‌ها ارتباط وجود دارد.

نظریه منابع بر منابع مختلف افراد جهت بدست آوردن قدرت در روابط خانوادگی تاکید می‌کند. این نظریه معتقد است که اگر منابع در دسترس فرد زیاد باشد، فرد دارای زور و قدرت بیشتری است اما عملاً کمتر از خشونت در روابط استفاده می‌کنند. افراد فاقد منابعی مانند درآمد، تحصیلات احتمال بیشتری دارد که از خشونت به عنوان یک منبع جهت به دست آوردن قدرت بیشتر در روابط شان استفاده نمایند. زمانی که منابع ایجاد اطاعت و فرمانبرداری در اختیار شوهران نباشد، آنان از خشونت به عنوان یک ابزار موثر و آشکار کنترل اجتماعی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، شوهرانی که فاقد منابع قدرت از قبیل درآمد، تحصیلات و اشتغال هستند، از خشونت علیه زنان به عنوان ابزاری جهت کسب قدرت در روابط خانوادگی استفاده می‌نمایند (اعزاز، ۱۳۸۰: ۸۱). بر این اساس می‌توان به نقش متغیرهای مهمی همچون درآمد، سطح تحصیلات و اشتغال به عنوان متغیرهای زمینه ساز خشونت فیزیکی خانوادگی پی برد. بنابراین امر نظریه فوق این فرضیات استخراج می‌شود که بین تحصیلات مرد و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

بر اساس نظریه شبکه روابط خانوادگی به نوعی دیگر از روابط متقابل بین همسران در خانواده‌ها اشاره و الگوهای متفاوت از روابط خانوادگی را معرفی می‌کند. این الگو روابطی را توضیح می‌دهد که در آن، زن و شوهر قائل به تفاوت واضحی در وظایف خوداند و نقش‌های خانوادگی را به دقت تفکیک کرده و منافع، علائق و فعالیت‌های جداگانه‌ای دارند. بر اساس نظریه فوق و همچنین نظریه قبلی (نظریه منابع) این فرضیه استخراج می‌شود که بین میزان دموکراتیک بودن روابط در سطح خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

بر اساس تئوری خرده فرهنگ خشونت، هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاص خودش است که این عناصر فرهنگی (ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، هنجارها و اعتقادات) ممکن است خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را تایید و تقویت نماید یا اینکه از آن ممانعت نمایند. در نتیجه تعهد به این عناصر فرهنگی است که خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را افزایش یا کاهش می‌دهد. بر پایه این تئوری می‌توان متغیرهایی مانند تعهد به اعتقادات دینی را در تبیین خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را مد نظر قرار داد. بر این اساس این فرضیه استخراج می‌شود که بین میزان دینداری و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش (محقق ساخته) بر اساس چارچوب نظری

## روش تحقیق

در بررسی‌های اجتماعی، روش‌های تحقیق گوناگونی وجود دارد. انتخاب روش تحقیق بستگی به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی از نوع همبستگی است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در روش مقطعی گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک زمان واحد از طریق نمونه گیری از جامعه انجام می‌شود. بنابراین روش تحقیق حاضر را باید روش پیمایش مقطعی دانست. همچنین ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی زنان متأهل شهر یاسوج می‌شود که تعداد آنها بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۲۸۵۰۰ نفر می‌باشد. لذا جامعه آماری در این پژوهش تمامی زنان متأهل شهر یاسوج است. با توجه به گستردگی میزان جامعه آماری و عدم امکان دسترسی به همه اعضای جامعه، باید تعدادی از افراد را که معرف جامعه کل باشند به عنوان حجم نمونه انتخاب کنیم. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران به استخراج حجم نمونه پرداخته شد که حجم نمونه پژوهش حاضر ۳۷۹ نفر است.

$$N = 28500 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{28500} \left( \frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 379$$

N: مقدار جامعه

t: در سطح اطمینان ۰/۹۵ مقدارش ثابت و به میزان ۱/۹۶ می‌باشد.

p: مقدار نسبت صفت موجود در جامعه می‌باشد اگر در اختیار نباشد می‌توان آن را ۵ در نظر گرفت در این حالت مقدار واریانس به حداکثر مقدار خود می‌رسد.

q: درصد افرادی که فاقد صفت موجود در جامعه هستند و برابر با (q=1-P) است.

d: سطح خطای قابل قبول پژوهشگر است که معمولاً ۰/۰۵ انتخاب می‌شود.

روش نمونه گیری در پژوهش حاضر خوشه ای و تصادفی است. بدین صورت که با استفاده از نمونه گیری خوشه ای تعدادی از مناطق شهر یاسوج انتخاب و از هر منطقه به صورت تصادفی نمونه نهایی استخراج خواهد شد.

## آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه شماره ۱: بین میزان اعتماد اجتماعی همسر و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰.۹۵ و با احتمال خطای ۰.۰۵ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل است.

**جدول (۱) همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی در سطح خانواده و خشونت عاطفی**

خشونت عاطفی		متغیرهای پژوهش
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰,۴۷	اعتماد اجتماعی

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰.۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و خشونت عاطفی در سطح خانواده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰,۴۷- است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و خشونت عاطفی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد میزان خشونت عاطفی کمتر می‌شود و برعکس. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۱ پژوهش حاضر تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۲: بین میزان انسجام اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۹۵٪ و با احتمال خطای ۰۵٪ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل است.

### جدول (۲) همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و خشونت عاطفی

خشونت عاطفی		متغیرهای پژوهش
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰,۲۹	انسجام اجتماعی

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر انسجام اجتماعی و خشونت عاطفی در سطح خانواده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰,۲۹- است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر انسجام اجتماعی و خشونت عاطفی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه انسجام اجتماعی بیشتر باشد میزان خشونت عاطفی کمتر می‌شود و برعکس. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۲ پژوهش حاضر تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۳: بین میزان مشارکت اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۹۵٪ و با احتمال خطای ۰۵٪ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل است.

### جدول (۳) همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی و خشونت

#### عاطفی

خشونت عاطفی		متغیرهای پژوهش
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰,۳۵	مشارکت اجتماعی

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و خشونت عاطفی در سطح خانواده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با -۰,۳۵ است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و خشونت عاطفی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه مشارکت اجتماعی بیشتر باشد میزان خشونت عاطفی کمتر می شود و برعکس. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۳ پژوهش حاضر تایید می شود.

آزمون فرضیه شماره ۴: بین میزان کل سرمایه اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰,۹۵ و با احتمال خطای ۰,۰۵ انجام شده است. یافته ها به شرح جدول ذیل است.

### جدول (۴) همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت

#### عاطفی

خشونت عاطفی		متغیرهای پژوهش
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰,۳۷	سرمایه اجتماعی

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و خشونت عاطفی در سطح خانواده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰,۳۷- است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و خشونت عاطفی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد میزان خشونت عاطفی کمتر می شود و برعکس. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۴ پژوهش حاضر تایید می شود.

آزمون فرضیه شماره ۵: بین میزان دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰,۹۵ و با احتمال خطای ۰,۰۵ انجام شده است. یافته ها به شرح جدول ذیل است.

#### جدول (۵) همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده و خشونت عاطفی

خشونت عاطفی		متغیرهای پژوهش
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰,۳۳	دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده و خشونت عاطفی در سطح خانواده رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰,۳۳- است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده و خشونت عاطفی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده

بیشتر باشد میزان خشونت عاطفی کمتر می‌شود و برعکس. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۵ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

### جمع بندی و نتیجه گیری

قبل از بررسی آزمون فرضیات لازم است که به خشونت عاطفی به عنوان متغیر وابسته در این پژوهش پرداخته شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های خشونت عاطفی، سوء رفتار عاطفی دارای بیشترین میانگین ( $X=3.12$ ) و منزوی کردن دارای کمترین میانگین ( $X=3.00$ ) می‌باشد. همچنین میانگین رعب و وحشت ( $X=3.07$ ) و زورگویی و تهدید ( $X=3.02$ ) می‌باشد. همچنین وضعیت کلی میزان خشونت عاطفی در حد متوسط ( $x=3.05$ ) است. اکنون بعد از توضیح میزان متغیر اصلی تحقیق یعنی خشونت عاطفی به آزمون تک به تک فرضیات می‌پردازیم.

فرضیه ۱: بین میزان اعتماد اجتماعی همسر و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای بررسی فرضیه فوق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون در سطح معناداری  $0/000$  و شدت همبستگی  $0/47-$  نشانگر ارتباط منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و خشونت عاطفی است. بر این اساس هر چه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر شود، به همان میزان خشونت عاطفی کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه شماره ۱ پژوهش حاضر تأیید می‌شود. نتایج پژوهش مبنی بر ارتباط بین اعتماد اجتماعی و خشونت خانوادگی با یافته‌های پژوهش‌های لیزایانگ لارنس و ماریان لین پورتر (۲۰۰۴)، آدام زو لوتور و دسموند کی رانیان (۲۰۰۶) همخوانی دارد. پژوهش‌های فوق نیز به ارتباط بین انسجام اجتماعی و خشونت خانوادگی پی بردند.

فرضیه ۲: بین میزان انسجام اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای بررسی فرضیه فوق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون در سطح معناداری  $0/000$  و شدت همبستگی  $0/29-$  نشانگر ارتباط منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر انسجام اجتماعی و خشونت عاطفی است. بر این اساس هر چه میزان انسجام اجتماعی بیشتر شود، به همان میزان خشونت عاطفی



کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه شماره ۲ پژوهش حاضر تأیید می‌شود. نتایج پژوهش مبنی بر ارتباط بین انسجام اجتماعی و خشونت خانوادگی با یافته‌های پژوهش‌های لیزایانگ لارنس و ماریان لین پورتر (۲۰۰۴)، آدام زو لوتور و دسموند کی رانیان (۲۰۰۶) همخوانی دارد. پژوهش‌های فوق نیز به ارتباط بین انسجام اجتماعی و خشونت خانوادگی پی بردند.

فرضیه ۳: بین میزان مشارکت اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد. برای بررسی فرضیه فوق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون در سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت همبستگی ۰/۳۵- نشانگر ارتباط منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و خشونت عاطفی است. بر این اساس هر چه میزان مشارکت اجتماعی بیشتر شود، به همان میزان خشونت عاطفی کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه شماره ۳ پژوهش حاضر تأیید می‌شود. نتایج پژوهش مبنی بر ارتباط بین مشارکت اجتماعی و خشونت خانوادگی با یافته‌های پژوهش‌های لیزایانگ لارنس و ماریان لین پورتر (۲۰۰۴)، آدام زو لوتور و دسموند کی رانیان (۲۰۰۶) همخوانی دارد. پژوهش‌های فوق نیز به ارتباط بین مشارکت اجتماعی و خشونت خانوادگی پی بردند.

فرضیه ۴: بین میزان کل سرمایه اجتماعی خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد. برای بررسی فرضیه فوق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون در سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت همبستگی ۰/۳۷- نشانگر ارتباط منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر میزان کل سرمایه اجتماعی و خشونت عاطفی است. بر این اساس هر چه میزان کل سرمایه اجتماعی بیشتر شود، به همان میزان خشونت عاطفی کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه شماره ۴ پژوهش حاضر تأیید می‌شود. نتایج پژوهش مبنی بر ارتباط بین سرمایه اجتماعی و خشونت خانوادگی با یافته‌های پژوهش‌های لیزایانگ لارنس و ماریان لین پورتر (۲۰۰۴)، آدام زو لوتور و دسموند کی رانیان (۲۰۰۶) همخوانی دارد. پژوهش‌های فوق نیز به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و خشونت خانوادگی پی بردند.

فرضیه ۵: بین میزان دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده و خشونت عاطفی ارتباط وجود دارد.

برای بررسی فرضیه فوق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون در سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت همبستگی ۰/۳۳- نشانگر ارتباط منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر میزان کل سرمایه اجتماعی و خشونت عاطفی است. بر این اساس هر چه میزان دموکراتیک بودن و نبودن روابط در سطح خانواده بیشتر شود، به همان میزان خشونت عاطفی کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه شماره ۵ پژوهش حاضر تأیید می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین دموکراتیک بودن و نبودن روابط با خشونت خانوادگی با یافته‌های پژوهش محتشمی و دیگران (۱۳۹۳) همخوانی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین سن و خشونت خانگی با یافته‌های پژوهش‌های جلالی و دیگران (۱۳۸۵) و محتشمی و دیگران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

## منابع

- ۱- آبراهامز، جی اچ. (۱۳۶۷). مبانی و رشد جامعه‌شناسی. ترجمه حسن پویان. جلد اول و دوم. تهران: نشر آشنا.
- ۲- آبوت، والاس کلر، (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ۳- احمدی، لیلی. (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی و شاخص‌های ارزیابی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۴- ارونسون، الیوت. (۱۳۸۹). روان‌شناس اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
- ۵- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۴.
- ۶- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- ۷- افروغ، عماد. (۱۳۷۸). خرده فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی. مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- بستان، حسین و همکاران. (۱۳۸۵). اسلام و جامعه شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۹- بوردیو، پیر. (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلایی. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ۱۰- بهنام، جمشید. (۱۳۸۳). ایرانیان و اندیشه تجدد. تهران: انتشارات فرزانه.
- ۱۱- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). «دموکراسی و سنت‌های مدنی». ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول.
- 12- Alderman, R.B(1974) Psychological Behavior in Sport.Philadelphia : W.B.Saundres.
- 13- Atkinson, Rita, Richard Smith, Edward, and Bom Darly, J.(1993) Introduction to Psychology. Harcourt Brace Jovanovich College Publishers.
- 14- Berkovitz, Leonard (1986). A Survey of Social Psychology. C B S. College Publishing com.
- 15- Bankston, Carl L. and Zhou, Min (2002), Social capital as a process: the meanings and problems of a theoretical metaphor Sociological Inquiry, 72: 285-317.
- 16- Berk. L. E. (2000). Child Development. Edition Boston.
- 17- Bourdieu, P. (1980), Le capital social: notes provisoires; Actes de la Recherche en Sciences Sociales, 3, 2° 3.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی